

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

مدون و فرستنده: جهانگیر محبی

۱۹ اکتوبر ۲۰۱۱

" جهان؛ جزماده متحرک، چیز دیگری نیست و این ماده متحرک، نمی تواند جز در مکان و زمان حرکت کند.

" لنین "

مارکسیسم بدون لنین؟

ساختمان سوسیالیسم که به دست دشمنان آزادی و عدالت اجتماعی تخریب شد، می رود تا دوباره مرمت گردد. این ترمیم به خصوص بعد از تحولات در شمال افریقا، خاورمیانه و امریکای- شمالی و جنوبی شدت بیشتری یافته است.

اما نکته قابل تأمل اینست که برخی جدانشدگان از فرقه مسعود رجوی و منصور حکمت، در لباس فعال کارگری، با تشدید لنین ستیزی، به مثابه اسم رمز مبارزه با سوسیالیسم، آب به آسیاب امپریالیسم ریخته و در مقالات خود آگاهانه- دست به کار تخریب افکار عمومی شده اند.

اما برای پاسخ به آنانی که حقایق تاریخی در دوران لنین و استالین و انقلاب اکتبر را با سفسطه بازیها، تحریف کرده اند، مجموعه مقالاتی تحت عنوان: "مارکسیسم بدون لنین؟" را گردآوری کرده ام.

این مجموعه تلاشی است؛ در جهت تبیین علت خصومت، کینه و نفرتِ پایان ناپذیر- دشمنان، طبقه کارگر، مارکسیسم و لنینیسم و همچنین برای روشنگری در میان فعالان کارگری

جهانگیر محبی

مهرماه ۱۳۹۰

[مارکسیسم بدون لنین؟ \(۱\)](#)



«مبارزات حزبی در فلسفه»

لنین در مصاف با مارکسیست - پوزیتیویست ها

پروفسور هانس هاینس هولتس

برگردان میم جری

بخش اول

صدسالگی اثر لنین تحت عنوان «ماتریالیسم و امپیریوکریتیسیسم» (۱۹۱۰)

- به دنبال شکست ها، سر و کله سردرگمی ها و سرگیجه های ایدئولوژیکی پیدا می شود.
- غالبین فقط به اشغال مواضع قدرت سیاسی اکتفا نمی کنند، بلکه در شعور مغلوبین رخنه و نفوذ می کنند تا حاکمیت خود را پایدار سازند .
- اگر قرار بر این باشد که مبارزه تداوم یابد، چاره ای جز مبارزه به ضد سرخوردگی ها، دلسردی ها، کناره گیری ها و خودهمرنگ سازی ها وجود ندارد .
- اگر قرار بر این باشد که مبارزه تداوم یابد، باید شک و تردید نسبت به صحت آماج های انقلابی به مصاف طلبیده شود و با یقین جایگزین گردد .
- برای این کار باید مبانی تئوریکی عمل با پیگیری و قاطعیت تمام جزء به جزء توضیح داده شوند، تکمیل گردند و به ضد سازش و کرنش مقاومت به خرج داده شود .
- درست به دلیل شکست، نبرد ایدئولوژیکی بر سر معارف جهان بینانه صحیح برای سازماندهی نوین نیروها، فونکسیون اصلی و مرکزی کسب می کند .
- هدف نه فقط احراز توانائی انجام عملیات تاکتیکی، بلکه به مراتب فراتر از آن، توانائی تعیین حرکت دوران - تاریخی است :
- دوران تاریخی که حزب انقلابی در آن به سر می برد .

بخش دوم

سمت و سوی حمله و کانت

- لنین در فوریه ۱۹۰۶، درست چند هفته پس از سرکوب اولین تلاش انقلابی در روسیه، در مطلبی تحت عنوان «وضع کنونی روسیه و تاکتیک حزب کارگری» نوشت :
- مسأله تحریم دومای دولتی - اصولاً - فقط بخش کوچکی از مسأله بزرگ برای تجدید نظر در تمامت تاکتیک حزب است .

• این مسأله نیز - به نوبه خود - فقط بخش کوچکی از مسأله بزرگ در زمینه چگونگی ارزیابی اوضاع کنونی روسیه و اهمیت برهه زمانی معاصر در تاریخ انقلاب روس است.»
• آثار لنین، جلد ۱۰، ص ۱۰۱

حقیقت تاریخی

• از این رو، برای هر تصمیمگیری طرح مسأله حقیقت تاریخی لازم می آید.
• مسأله اینجا، نظرات این و آن در باره اوضاع و احوال کنونی، اشتباهات انجام یافته در گذشته و یا امید به آینده نیست.
• کنش سیاسی درست بر قضاوت عینی درست در باره واقعیت عینی موجود مبتنی است.
• لنین در ادامه گفتارش می نویسد:
• «این مسأله مورد اختلاف را نباید تنها از این لحاظ در نظر گرفت که آیا این و یا آن طریق عمل مطلوب و ایدئال است.
• ما باید از این مبدأ حرکت کنیم که شرایط عینی اوضاع و احوال فعلی و تناسب قوای اجتماعی از چه قرار است.»
• آثار لنین، جلد ۱۰، ص ۱۰۴
• پیش شرط اعلام این نظر، داشتن موضع معرفتی - نظری معینی است:
• «واقعیات امور به طور عینی و به درستی قابل شناسایی اند.
• بر این مبناست که می توان به صحت و سقم معارف پی برد.
• تئوری های حقیقت بین واقعیت (رنالیته) را چنان منعکس می کنند که ستراتیژی مبتنی بر آنها از کوره پراتیک سربلند بیرون می آید.
• مسأله مربوط به قابل شناسایی بودن جهان به قول لنین، نه «مسأله ای اسکولاستیکی»، بلکه مسأله ای با اهمیت سیاسی بلاواسطه است.
• مراجعه کنید به قابل شناسایی بودن جهان در تارنمای دایرة المعارف روشنگری
• تقابل بر سر «دو تاکتیک سوسیال - دموکراسی»، نشاندهنده تزلزل و تردید ایدئولوژیکی بی واسطه ای است که پس از شکست انقلاب ۱۹۰۵ اوج می گیرد و لنین نسبت بدان واکنش نشان می دهد.
• جلد های دهم تا سیزدهم آثار لنین بازتاب تک تک جنبه ها و مسائل سیاسی روزند که از سال ۱۹۰۵ تا سال ۱۹۰۸ حزب را به لرزه افکنده اند.
• لنین بارها و بارها تأکید می ورزد که هرگز نباید اصول و قوانین اساسی راجع به جزئیات عملی را از مد نظر دور داشت.
• در سال ۱۹۰۸ در آن واحد چهار کتاب از چاپ خارج می شوند که به موازات نرم گشتن خط مشی انقلابی حزب، به تبلیغ تجدید نظر در مارکسیسم می پردازند.
• در میان مؤلفین این چهار کتاب، نام رهبران سرشناس بلشویسم نیز به چشم می خورد.
• لنین بی کمترین درنگی وارد میدان نبرد ایدئولوژیکی می شود و رویونیست ها را به نام می نامد:
• «در کمتر از ۶ ماه، چهار کتاب منتشر شده است که موضوع همه آنها تقریباً بدون استثناء، حمله به ضد ماتریالیسم دیالک تیکی است.»

- یکی از آنها مجموعه مقالاتی است از بازاروف، بگدانوف، لوناچارسکی، برمن، گلفوند، یوشکوویچ و سووروف .
- علاوه بر آن، کتب زیر نیز انتشار یافته اند :

1

• «ماتریالیسم و رئالیسم انتقادی» از یوشکوویچ .

2

• «دیالک تیک در پرتو تئوری شناخت» از برمن .

3

• «ساخت های فلسفی مارکسیسم» از والین تینوف

• همه این آقایان بدون استثناء مدعی مارکسیست بودن در فلسفه اند .

• برمن از سوئی می نویسد که دیالک تیک انگلس «عرفان» است .

• بازاروف از سوی دیگر اعلام می کند که نظرات انگلس «کهنه» شده اند، آنها با طبیعتی غیر قابل تردید، حتی .

• مخالفان بیدار ما با فخر و مباهات بر «تئوری شناخت مدرن»، «نوین ترین فلسفه»، «نوین ترین پوزیتیویسم»،

«فلسفه علوم طبیعی مدرن» و یا حتی «فلسفه علوم طبیعی قرن بیستم» اعلام می کنند که ماتریالیسم مردود و باطل

است.»

• (آثار لنین، جلد ۱۴، ص ۹)

لنین در نبرد خود، تناقضات آموزش های مخالفین را برملا می سازد، ناسازگاری آنها را با مارکسیسم نشان همگان می دهد و دام های جهان بینانه را افشاء می کند که امپیریوکریتیسیست ها در آنها گرفتار آمده اند.

مارکسیسم بدون لنین؟ (۲)

• کروپسکایا گزارش می دهد که «مسائل فلسفه برای لنین در پیوند گسست ناپذیر با مسائل مبارزه به ضد مذهب قرار داشته اند.»

• کروپسکایا سلسله ای از مقالات لنین را نام می برد که همزمان با کتاب «ماتریالیسم و امپیریوکریتیسیسم» نوشته شده اند .

• در همه این مقالات، «خصلت طبقاتی مذهب با صراحت تمام مورد تأکید قرار می گیرد و نشان داده می شود که مذهب در دست بورژوازی، وسیله ای است برای منحرف کردن توده ها از مبارزه طبقاتی و برای مه آلود کردن شعور آنها.»

مارکسیسم بدون لنین؟ (۳)

رویزیونیسم در تفکر آغاز می شود

مبارزه لنین در راه پاکیزه نگه داشتن مفاهیم، مبارزه ای سیاسی در راه وضوح جهان بینی انقلابی کمونیسم بوده است.

مارکسیسم بدون لنین؟ (۴)

• پیشرفت معرفتی در علوم به قول ولادیمیر لنین، «از نقطه نظر ماتریالیسم مدرن، یعنی مارکسیسم، مرزهای نزدیک گشتن معارف ما به حقیقت عینی مطلق، به لحاظ تاریخی مشروط می شود.

• حتمی، نامشروط و بی چون و چرا - اما - این حقیقت امر است که این تصویر، ارائه دهنده مدلی است که به طور عینی موجود است.»

مارکسیسم بدون لنین؟ (۵)

بدین طریق، همه ساز و برگ لازم فراهم می آید، تا هر استدلال علمی در زمینه تعیین هدف و آماج سیاسی و عمل سیاسی در مه غلیظی از ابهام فرو رود.

دلیل لشکرآرایی و رزم آوری ولادیمیر لنین هم همین جا است!

مارکسیسم بدون لنین؟ (۶)

• به قول لنین، «خط اصلی فلسفه کانت، عبارت است از آشتی ماتریالیسم با ایدئالیسم، توافق (کومپرومیس) میان ماتریالیسم و ایدئالیسم، گره زدن جریانات فلسفی مختلف به یک دیگر و تشکیل سیستم واحد.

مارکسیسم بدون لنین؟ (۷)

• عبارت گزنده لنین مبنی بر این که «هیچ مارکسیستی هنوز مارکس را نفهمیده»، پس از گذشت یک قرن، همچنان و هنوز از اعتبار نیفتاده است.

کمونیست ها مکلفند که برای تئوری و پراتیک خویش، مطالعه محتواکاوانه جلدهای ۱۴ و ۳۸ کلیات لنین را در دستور کار خویش قرار دهند.

مارکسیسم بدون لنین؟ (۸)

• هانس هاینس هولتس در این اثر خویش به بررسی مبانی تئوریک تفکر لنین و به ویژه انتقاد لنین از فلسفه ایمانوئل کانت می پردازد.

• کانت را می توان - به عبارتی به مثابه «جد معنوی» رویونیسم سیاسی - هموارساز راه برای رد مارکسیسم کلاسیک تلقی کرد .

مارکسیسم بدون لنین؟ (۹)

• بیهوده نیست که هاوگ امحای جوامع سوسیالیستی در اروپای شرقی را «انقلابات دموکراتیک» می نامد.

• گورباچف را قهرمان دموکراسی محسوب می دارد.

• مأمورین حراج دارائی خلق در آن کشورها را مجریان انقلاب نام می دهد.

• حتی خواننده های جوان نشریه «جهان جوان» با شم حساس خود واکنش نشان داده اند.

• کسی که حوادث سال های ۱۹۸۹ - ۱۹۹۰ را «انقلابات دموکراتیک» بنامد، چنین کسی آزادی های فرمال سیستم سیاسی بورژوائی را بر مسأله مناسبات مالکیت مقدم می داند.

• گیرم که بعد، خمیازه ای برکشد و بر نئولیبرالیسم تف کند.

• رویونیسم همین است، دیگر!

• رویونیسم که شاخ و دم ندارد!

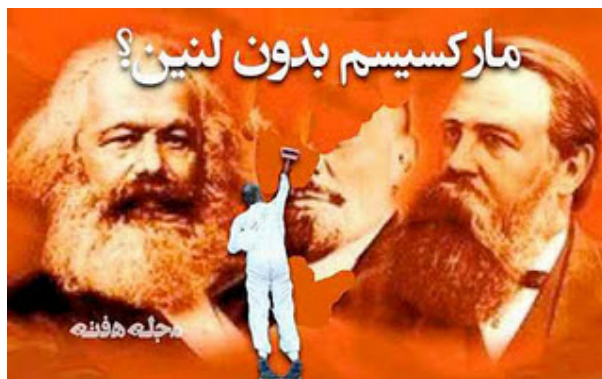
مارکسیسم بدون لنین؟ (۱۰)

• پیاده کردن تئوری به طور عملی در جامعه به ابتکار لنین صورت گرفته - علی رغم همه نواقص، نارسائی ها و اشتباهات ممکنه در مراحل آغازین پیاده کردن آن.

• همین دلیل کافی است تا هاوگ فرمان پائین کشیدن لنین از اولمپ خدایان را صادر کند و تقلیل مارکسیسم - لنینیسم به مارکسیسم را عملی سازد و بدین طریق، آن را به مرحله تئوری صرف تر و تمیز آغازین برگرداند.

مارکسیسم بدون لنین؟ (۱۱)

مارکسیسم بدون لنین؟ (۱۲) (بخش آخر)



طرح از طراح محترم مجله هفته

پروفسور هانس هابنتس هولتس

پاسخ هائی به ولفگانگ فریتس هاوگ

برگردان میم حجری

6

فرهنگ لغات انتقادی - تاریخی مارکسیسم هاوگ



شورای تدوین فرهنگ هاوگ

- بدین طریق، می رسیم به مطلب اصلی رویارویی.
- من فرهنگ لغات انتقادی - تاریخی مارکسیسم هاوگ (۱۹۹۴) را به مثابه فرهنگ لغات رویزیونیستی تلقی کرده ام.
- در این که برای تدوین این فرهنگ لغات کار عظیمی به لحاظ طرح ریزی و سازماندهی صورت گرفته، شکی نیست.
- هاوگ بدون استفاده از فرهنگ هائی به این کار مبادرت ورزیده و جهان مفهومی تاحدودی تازه ای را پدید آورده است.
- به خاطر این و همچنین به خاطر انتشار مجله ۵۰ ساله «آرگومنت» باید به هاوگ ارج گذاشت.
- مسأله برای من، **گرایش** این فرهنگ لغات است.
- در این که هاوگ انتقاد مرا به مثابه انتقاد از شخص خود تلقی می کند، حق دارد.
- برای این که او به مثابه ناشر این فرهنگ لغات، بی کوچکترین تردید، تعیین کننده گرایش آن است و بر کسی پوشیده نیست که او با انتشار این فرهنگ لغات می خواهد که برای «مکتب» مارکسیسم خود **بنیان مفهومی** پدید آورد.
- تاکنون ۸ جلد این فرهنگ قطور منتشر شده است و به حرف کاف رسیده است.
- با مطالعه این کتاب می توان به معارف و تکانه های فکری معینی برخورد کرد.
- در این اثر بیش از ۱۲۰۰ واژه از سوی صدها مؤلف توضیح داده شده اند.
- در میان این مؤلفین کسانی نیز یافت می شوند که موضع مارکسیسم کلاسیک را دارند.
- **این هم یکی از خصوصیات رویزیونیسم است که تمامت آموزش معینی را تغییر نمی دهد، بلکه به تغییر قوانین اساسی تعیین کننده قناعت می ورزد.**

1

- حال از هاوگ که در تبلیغ خستگی ناپذیر **پلورالیسم** در نوشته های مختلف خود حنجره پاره می کند، باید پرسید که چرا در تدوین این فرهنگ لغات مارکسیسم از مؤلفین بزرگ و سرشناس مارکسیسم اثری نیست؟
- من به عنوان مثال چند تن از آنها را نام می برم:

• **لودوویکو گیمونات**

• سزار لوپورینی

• الساندرو مازونه

• اندرناس گدو

• ژوزه بارتا مورا

2

• در راستای توسعه هرچه بیشتر مارکسیسم کلاسیک تحقیقات مختلف بیشماری صورت گرفته اند.

• اگر هاوگ واقعا طرفدار پلورالیسم است، می بایستی جای آن تحقیقات در فرهنگ مارکسیسم او خالی نباشد.

3

• «مارکسیسم پلورال» هاوگ اما با پلورالیتفه رفتاری به شدت انتخابی دارد و به دسته چین کردن موارد معینی همت می گمارد.

• این اما با الگوی ایدئالیستی - ذهنی رشد یافته مارکسیسم هاوگ در تضاد قرار می گیرد و در مورد نحوه تدوین فرهنگ لغات مارکسیسم او مصداق پیدا نمی کند.

4

• اما در عوض، تا دلت بخواهد تحریکات و تبلیغات آنتی کمونیستی عرضه می شود.

5

• تصویرتئوری معرفتی - نظری که از سر نادانی با تئوری انعکاس عوضی گرفته می شود، در قاموس هاوگ، «در وهله اول به طور سیاسی و به معنی محدود کلمه، به طور پولیسی استدلال و اثبات شده است»

• (هاوگ، «فرهنگ لغات انتقادی - تاریخی مارکسیسم»، جلد ۱، ص ۱۹)

6

• هاوگ ادعا می کند که «مناسبات تولیدی دولتی - توتالیتر که تحت حکومت استالین با ترور و رژیم کاربردگی گولاک همراه می شود، به مثابه ماشین اپاتی عمل می کند.»

• (هاوگ، «فرهنگ لغات انتقادی - تاریخی مارکسیسم»، جلد ۱، ص ۳۸۳)

• (اپاتی یعنی بی اعتنا به انسان و محیط زیست. مترجم)

• اگرچه عارضه اپاتی نه برای زمان استالین، بلکه برای دوره بوروکراسی رویزیونیستی لئونید برژنف صادق است.

• مراجعه کنید به مفهوم بوروکراسی در تارنمای دایرة المعارف روشنگری

7

• هاوگ انتقاد مکرر و مستمر استالین از دگماتیسم را نقل قول می کند، ولی آن را بلافاصله با عبارت زیر بی اعتبار می سازد:

• «تصور تئوری بسته و اندیشیده، خود راه را برای دگماتیزه کردن این تفکر هموار می سازد.

• آن سان که زبان نقد دگماتیسم به ابزار دگماتیسم بدل می شود.»

• (هاوگ، «فرهنگ لغات انتقادی - تاریخی مارکسیسم»، جلد ۲، ص ۸۰۶)

8

• مفهوم «زوال (میراثی) دولت» زیر قلم هاوگ به مفهوم «تخریب دولت» استحال می یابد که چیز به کلی دیگری است.

• اینها فقط چند مثال به مثابه مشتق از خروار اند و بس.

• باید به زبان هاوگ توجه کرد.

• اکنون به عنوان مثال پیشگفتار پراگماتیکی هاوگ را مورد تأمل قرار می دهیم.

9

• در این پیشگفتار، رابطه تئوری - پراگماتیک مارکسیسم به «پروژه» ای بدل می شود و از سوسیالیسم «جوهر اخلاقی - سیاسی ایده سوسیالیستی» باقی می ماند و بس.

• فریدریش آلبرت لانگه با فرمولبندی مشابهی، رویونیسم سوسیال - دموکراتیکی را به طرز کانتیانیستی پدید آورده است.

10

• هاوگ در همین پیشگفتار، شکست سیاسی جوامع سوسیالیستی در اروپای شرقی را به مثابه «خوانده شدن فاتحه ای بر مارکسیسم - لنینیسم» به خواننده بی خبر می فروشد، تا بتواند تئوری های هنوز ناتمام خود را که از ۵۰ سال به این طرف تبلیغ می کند، به جای مارکسیسم - لنینیسم قالب کند.

11

• هاوگ این را می تواند به طرز «پست مدرنیستی» به «تخریب هر مه نویتیکی کلیت ها» در «به اتمام رساندن دستور زبان فلسفی» محول کند.

• (نقل قول ها همه از هاوگ بوده اند.)

12

• نتیجه سیاسی حاصل از این یاوه ها این می شود که هاوگ به آلمان دموکراتیک خرده می گیرد که آن «با بنای دیوار برلین و با تأسیس سازمان امنیت کشور فشار و سرکوب را به مثابه شالوده قدرت دولتی سوسیالیستی و در تأثیر متقابل با ناکارآمدی اقتصادی تجسم بخشیده است.»

• (هاوگ، «فرهنگ لغات انتقادی - تاریخی مارکسیسم»، جلد ۲، ص ۸۷۲)

• تا چشم کار می کند، از تحلیلی خبری نیست.

• این خز عبلات همان خز عبلات تسخیرکنندگان آلمان دموکراتیک بوده اند که مو به مو تکرار می شوند.

• هاوگ چنین فرهنگ لغاتی را «تاریخی» و «انتقادی» می نامد.

• این جور خز عبلات اما نه تاریخی اند و نه انتقادی.

• این یاوه های نقل قول شده، در توضیح مفهوم «حماقت» آمده است.

• مؤلف این احکام حتما حماقت خود را در آئینه تماشا کرده و روی کاغذ آورده است.

• این فرهنگ لغات دهه های متمادی به عنوان مرجع فرهنگی برای مارکسیسم خواهد بود.

• از این رو، بهتر آن است که به خواننده پیشاپیش گفته شود که آن بیانگر کدامین سمتگیری است.

• ما فرهنگ های لغات بورژوائی از قبیل «ریتز» و «دایرة المعارف بریتانیکا» را نیز مورد استفاده قرار می دهیم، ولی پیشاپیش می دانیم که آنها با محدودیت های ایدئولوژیکی بورژوائی عجین شده اند.

- خواننده فرهنگ لغات هاوگ نیز بهتر است که بداند که آن مارکسیسمی را نمایندگی می کند که در مقایسه با مارکسیسم کلاسیک، مورد تجدید نظر قرار گرفته است و از بخش های ماهوی مهم تاریخش «پاکسازی» شده است.
 - اینکه نیت ناشر هم همین بوده، می توان از دیگر انتشارات هاوگ دریافت.
 - اختلاف پنجاه ساله من با هاوگ از این قرار است.
 - این اختلاف به جای خود باقی خواهد ماند.
 - اکنون بهتر است که به جای بیرون کشیدن آتش اختلافات دیرین از زیر خاکستر، به مقاومت مشترک به ضد فاشیسم نوین برخیزیم.
 - هاوگ اما هرگز متحد خوبی نبوده است.
 - هاوگ متحد توطئه گری بیش نبوده است.
 - در رابطه با این موضوع مراجعه کنید به آثار مؤلفین زیر:
 - بورگن رویش، فرانک دپه، رالف لاین وبر، روبرت اشتایگر والد در «مارکسیسم - ایدئولوژی - سیاست» و در «بحران مارکسیسم و یا بحران آرگومنت؟ ۱۹۸۴»
- پایان